

تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توسعه اقتصادی کشورهای منتخب منطقه

عبداله افشاری^۱ کارشناسی ارشد علوم اقتصادی از دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، ۰۹۱۲۲۴۲۲۲۶۰،
abdolahafshari88@gmail.com
خلیل سعیدی : دکترای علوم اقتصادی و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد واحد تهران
جنوب، ۰۹۱۲۱۵۹۵۸۰۴، saeidi.khalil@yahoo.com

چکیده

در این مقاله به منظور بررسی اثر شاخص های حکمرانی خوب بر توسعه اقتصادی رشد اقتصادی را به عنوان یکی از فاکتور های اصلی توسعه اقتصادی در نظر گرفته و تاثیر این شاخص ها، که اغلب تحت عنوان شاخص حکمرانی خوب از جمله: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و شاخص کیفیت حکمرانی که میانگین موزون این شاخص می باشد استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا از طریق مبانی نظری تاثیر هر کدام از این شاخص ها را بر رشد اقتصادی بررسی کرده و در بخش تجربی با استفاده از داده های تابلویی ۱۸ کشور منتخب منطقه که در سند چشم انداز به آن ها اشاره شده، طی سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ میلادی در کنار برخی از عوامل اقتصادی بر نرخ رشد اقتصادی، از طریق مدل PMG مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که هر کدام از این شاخص های حکمرانی و شاخص کیفیت حکمرانی تاثیر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی داشته اند و در مدلی که با شاخص کیفیت حکمرانی طرح گردیده، نتیجه بر آورد نشان می دهد تاثیر شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی از سایر متغیر ها از جمله نیروی کار، سرمایه، اندازه دولت و نرخ تورم بیشتر می باشد. و در مقایسه با مدل های دیگر با هر کدام از شاخص های حکمرانی، تاثیر شاخص کنترل فساد از سایر شاخص های حکمرانی خوب بیشتر می باشد.

واژه های کلیدی: شاخص های حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، داده های تابلویی، روش (PMG)

۱- مقدمه

امروزه تمایلات زیادی برای درک ماهیت حکمرانی به عنوان ابزار ارتقاء فرایند توسعه یافتگی وجود دارد، حکمرانی خوب مفهومی است که بحث کیفیت دخالت دولت در اقتصاد را مهم تر از بحث کمیت دخالت دولت در اقتصاد برای توسعه اقتصادی می داند. نهاد های مالی بین المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همگی بر این عقیده اند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه های توسعه است. حکمرانی نامناسب و ضعیف موجب عدم به ثمر نشستن هزینه های دولت می شود، بنابراین افزایش هزینه های دولت به تنهایی برای بهبود شاخص های اجتماعی کافی نیست و متغیر های مرتبط با وضعیت نهاد های حکومتی در جامعه نیز در این میان موثرند.

باتوجه به اینکه نظریه حکمرانی خوب نظریه نوینی است که نگاه جدیدی به نقش دولت در تحقق رشد و توسعه اقتصادی دارد و این نظریه هنوز مورد بحث و بررسی کامل قرار نگرفته است لذا این پژوهش تلاش می کند پس از ترسیم ویژگی های